

بررسی اثر تربیتی باور به حضور امام مهدی (عج) در زندگی از منظر قرآن و روایات

مجید معارف^۱

محبوبه کبیر^۲

چکیده

انسان در زندگی فردی و اجتماعی، نیازمند باورهایی قوی است تا به پشتوانه آن باورها هرچه سریع‌تر به سوی کمال و تعالی انسانی راه بی‌پیماید و به سعادت‌ی که همه اولیای الهی برای رسیدن انسان به آن تلاش می‌کردند، نائل آید.

از جمله این باورها اعتقاد به حضور امام مهدی (عج) می‌باشد. در این پژوهش سعی داریم به تأثیر این باور در حیات مؤمنان و معتقدان به حضرتش بپردازیم؛ از جمله تأثیرات این باور عبارت است از: حیات و شادابی انسان در باوری عمیق، دور ماندن از القائات شیطان، توانمند شدن در راستای رشد و تعالی، نجات از حیرت و سرگردانی، تخلّق به سیره امام (ع)، بهره‌مندی از نور هدایت، روشن شدن فلسفه زندگی، شکوفایی روح امید و دست یافتن به آرامش، تقویت جهان‌بینی دینی و رسیدن به حقیقت ایمان. در واقع تنها فردی می‌تواند به سعادت برسد که در مسیر معرفت و بندگی خدا و شناخت حجت الهی قدم بردارد.

این بررسی روایی نشان می‌دهد که ما می‌توانیم زندگی خویش را بر اساس تعالیم قرآن و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و همچنین اعتقاد به حضور آخرین حجت الهی به‌گونه‌ای بنا نماییم تا همواره در مسیر هدایت گام برداشته و از هرگونه انحراف مصون بمانیم.

کلیدواژه‌ها: امام مهدی (عج)، حضور، باور، معرفت.

(۱) استاد دانشگاه تهران.

(۲) کارشناس ارشد علوم حدیث.



۱- مقدمه

یکی از مسلّمات مذهب تشیع، اعتقاد به حضور امام مهدی (عج) است. این باور منشأ اثرات زیادی در زندگی انسان مؤمن بوده و بی‌ارتباط با اصل وجود حجت الهی نیست؛ همان‌طور که بر وجود حجت‌های پیشین نیز چنین اثراتی از جمله امنیت زمین، آرامش قلوب، هدایت نفوس و سایر مواهبی که با داشتن درکی عمیق برای انسان حاصل خواهد شد، مترتب بوده است. دین اسلام به عنوان دین خاتم، به عینیت داشتن، واقع‌گرایی و درک عمیق توجه ویژه‌ای دارد؛ بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با شناخت و درک حضور امام غایب چنین می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۱/۵۲۴)؛ خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت مرا درک کند در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیام او به او تأسی جوید؛ باور همان درک عمیق، وجدان نمودن و یافتن است. میان دانستن و درک کردن تفاوت است، گاه انسان مطلبی را می‌داند ولی با نگاه تردید بدان می‌نگرد و آن‌گاه که به یقین می‌رسد این باور، او را به حرکت و تکاپو وامی‌دارد. حضرت علی (ع) فرمود: «إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا وَإِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدُمُوا» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۲۴)؛ هنگامی که دانستید عمل کنید و زمانی که به یقین رسیدید قدم بردارید. «یقین»، همان اعتقاد مستقر است که در وجود انسان جای گرفته باشد، می‌تواند او را در پیشبرد اهداف حیات انسانی یاری کرده و زوایای زندگی او را تحت الشعاع قرار دهد، با این توصیف یکی از باورهای مؤکد شیعه که می‌توان آن را از پایه‌های عقیدتی او دانست افزون بر تأکید به اصل وجود حجت الهی، باور به حضور امام مهدی (عج) است که آثار و فوائد زیادی از منظر تربیتی خواهد داشت که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۲- حیات و شادابی انسان در باوری عمیق

هر نوشیدنی هر اندازه که خوشگوار و دلچسب باشد به شیرینی و گوارایی آب نیست. آب یکی از نعمت‌های بسیار ارزشمند و حیات‌بخش است، از این رو، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ أَصْبَحَ مَأْوُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (الملک: ۳۰)؛ اگر آب شما در زمین فرو رود پس چه کسی می‌تواند برایتان آبی گوارا بیاورد؟

در تأویل این آیه، امام باقر(ع) می‌فرماید: «اگر امامتان از شما پنهان شد به‌گونه‌ای که ندانستید او کجاست چه کسی می‌تواند امامی آشکار برایتان بیاورد که شما را از اخبار آسمان و زمین و نیز حلال و حرام خدا آگاه کند؟ امام رضا(ع) در توصیف امام می‌فرماید: «الإِمَامُ أَلْمَاءُ أَلْعَذْبُ عَلَى الظَّمَا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۹۸/۱)؛ امام(ع) آب گوارا در حال تشنگی است، تا انسان تشنه نباشد شیرینی و گوارایی آب را نمی‌فهمد، حقیقت آب، حیات‌بخشی است و حقیقت حیات، زنده شدن قلب به نور معرفت و علم امام است و حقیقت موت، تاریکی قلب از این نور است؛ همان‌طور که آب سبب حیات جسمانی است، علم نیز باعث حیات روح آدمی می‌باشد؛ بنابراین نور معرفت و علم امام سبب حیات وجود انسان است، اساساً اجابت امر خدا و اولیای الهی خاصیت حیات‌بخشی دارد، چرا که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (الانفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و رسول اطاعت کنید؛ چرا که وقتی شما را می‌خوانند می‌خواهند شما را زنده کنند.

با این باور دیگر انسان نمی‌تواند حیاتی بدون امام برای خود تصوّر کند، چرا که صفای روح و جان آدمی با وجود و حضور امام محقق است و بدون او زندگی پوچ و بی‌معنا شده و انسان در بیابان بی‌انتهای جهالت و فقر، سرگردان می‌گردد و در دنیای پرفریب بی‌هدف به هر سو می‌رود و هر سرابی را آب می‌پندارد.

۳- دور ماندن از القائنات شیطان

باور به وجود امام مهدی (عج) انسان را با دریایی از معارف الهی در عرصه امامت و جایگاه والای آن در معتقدات مذهب تشیع آشنا خواهد کرد؛ به طوری که هر اندازه فرد در متن این میراث گرانبهای اهل بیت (ع) دقت و تدبّر کند معرفت و شناخت او به ارزش های والای دینی بیشتر می شود و شناخت عمیق که از آن به باور نیز می توان تعبیر کرد، محبت و ایمان قلبی را در وجود او تثبیت می گرداند، اینجاست که دیگر هیچ نیروی شیطانی قادر نیست انسان را از جاده حقیقت جدا کند و انسان در برابر آسیب ها، آفات و هجمه های اعتقادی، بیمه شده و باورهایش به دژ تسخیرناپذیر تبدیل می گردد.

در این جهان همواره دو قطب متضاد وجود دارد که یکی القائنات رحمانی و دیگری القائنات نفسانی دارد؛ قطبی که القائنات رحمانی دارد وجود امام مهدی (عج) است که بر همه قلوب و نفوس اشraf داشته و انسان هایی را که متوجه ایشان شوند، هدایت و راهبری خواهد کرد؛ و قطب دیگر که القائنات اغواکننده دارد وجود شیطان است که عامل و پرچمدار گمراهی است: «رَأَيْتَ ضَلَالَةً قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۹۳/۳۴). شیطان با وسوس مخرب که بر روح آدمی دارد انسان ها را به بیراهه و فساد کشانیده و از عبودیت و پرستش خدا باز داشته و به آنان که ولایت اش را پذیرفته اند وحی می کند: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ» (الانعام: ۱۲۱)؛ همانا شیاطین به دوستان خود وحی می کنند. واژه شیطان از ماده شاطّ یَشِيطُ به معنای هلاکت و شدّت غضب است یا از ماده شطن، یَشْطُنْ به معنای دور شدن از خیر، خبیث و پست است و امام ریشه هر خیر است (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۰/۲۷). انسان با نزدیک شدن به هر یک از این دو قطب، از قطب دیگر فاصله می گیرد، چرا که تحت نفوذ و القائنات آن بوده و از دیگری باز می ماند؛ بنابراین هر چه فرد خود را بیشتر تحت نفوذ القائنات رحمانی امام (ع) قرار دهد از وسوس شیطانی مصونیت بیشتری خواهد یافت؛ اگر چه شیطان، دشمن قسم خورده آدمیان است و همگان در تیررس حملات اویند، خدای متعال از روی لطف خویش

انسان‌ها را تنها نگذاشته و معصومین را دژ استوار مقابله با او معرفی فرموده است و همچنین حضرت علی(ع) تنها راه محفوظ ماندن از خطرات شیطان را تشبّث به اهل بیت می‌داند، «تَشَبَّثْ» به معنای به شدّت گرفتن و جدا نشدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵۱/۶) امیرالمؤمنین(ع) به کَمیل می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ إِنَّ الْأَرْضَ مَمْلُوءَةٌ مِنْ فِخَاخِهِمْ فَلَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ تَشَبَّثَ بِنَا وَ قَدْ أَعْلَمَكَ اللَّهُ أَنَّهُ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا عِبَادُهُ وَ عِبَادُهُ أَوْلِيَاؤُنَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۲۷۴/۷۴)؛ ای کَمیل همانا زمین از تله‌های شیطان پر است؛ تنها، کسانی نجات می‌یابند که پیوسته به ما متصل بوده و لحظه‌ای از ما جدا نشوند و خداوند تو را آگاه کرده که از آن تله‌ها فقط بندگانی نجات می‌یابند که اهل ولایت ما هستند. بنابراین یکی از مهم‌ترین شئون امام(ع) که تأمین‌کننده اساسی‌ترین نیاز ما به ایشان است ملجأ و پناه بودن امام(ع) در برابر خطراتی است که انسان را در مسیر هدایت تهدید می‌کند.

۴- توانمند شدن انسان در راستای رشد و تعالی

از باورهای مؤکد شیعه که می‌توان آن را از پایه‌های منظومه عقیدتی آنان دانست باور به حضور و حیات کنونی امام مهدی(عج) است. شیعه در این باور خود، افزون بر آیات و روایات، از قاعده ضرورت استمرار هدایت الهی بهره می‌گیرد؛ همان قاعده‌ای که تعیین حجت الهی بر مردم را بر موسی(ع) در دوره کوتاه ملاقات با خدا ضروری کرد، اگر رها کردن مردم تنها در چهل روز امری ناروا تلقی می‌شود آیا می‌توان درباره خداوند حکیم و آگاه بر نفوس و رفتار آدمیان چنین باوری داشت که او انسان‌ها را در این دوازده سده بدون رهبر و پیشوا رها کرده است؟ آیا شیعیان از این غنای فکری و فرهنگی خود با خبرند و می‌دانند که باور به حضور حجت خداوند در میان مردم تا چه اندازه می‌تواند در تعالی معنوی جهان مؤثر واقع شود؟

یک رهبر آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی که از طریق گفتار، رفتار، تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد، تربیت روحانی دارد که از راه نفوذ معنوی در



دل‌ها و فکرها اعمال می‌شود و می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذاشت؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار به کار نمی‌آید، بلکه تنها جاذبه و کشش درونی مؤثر است. وجود مبارک امام(ع) در پشت ابرهای غیبت از طریق شعاع نیرومند و پدیده نفوذ شخصیت خود، دل‌های آماده را از دور و نزدیک تحت تأثیر جاذبه مخصوص قرار داده و به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنان انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد، ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم‌های خود نمی‌بینیم ولی تأثیر آن را بر عقربه‌های قطب‌نما، در دریاها که راهنمای کشتی‌ها و در آسمان‌ها که راهنمای هواپیماها می‌باشد به وضوح قابل مشاهده می‌کنیم و در سرتاسر کره زمین از برکت این امواج میلیون‌ها مسافر، راه خود را به سوی مقصد پیدا می‌کنند و وسایل نقلیه بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه‌های ظاهراً کوچک از سرگردانی‌های می‌یابند، پس تعجبی ندارد اگر وجود مبارک امام(ع) با امواج جاذبه معنوی خود افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت کند، رشد و تعالی بخشد.

۵- عوامل رشد و تعالی انسان

۵-۱- تبعیت و پیروی از امام(ع)

بر اساس یافته‌های علمی می‌دانیم که امواج مغناطیسی روی هر آهن پاره بی‌ارزش اثر نمی‌گذارد، بلکه تنها بر عقربه‌های ظریف و حساسی که خاصیت آهن‌ربایی یافته‌اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند اثر می‌گذارد؛ بدین ترتیب دل‌هایی که ارتباطی با امام(ع) دارند و راه پیروی و تبعیت از ایشان را در پیش گرفته‌اند تحت تأثیر آن جاذبه روحانی رشد و تعالی می‌یابند. خداوند متعال تبعیت را عامل رشد و تعالی می‌داند آنگاه که حضرت موسی(ع) به خضر(ع) می‌فرماید: «هَلْ أَتَّبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» (الکھف: ۶۶)؛ آیا اجازه می‌دهی که از تو تبعیت کنم تا تو از آنچه که علم داری به من بیاموزی تا مایه رشد من شود.

پیروی از حجت الهی سبب می شود تا انسان در همه امور به صبغه ایشان درآمده و از او متأثر شود و این تأثیرپذیری زمینه رشد او را فراهم می آورد.

۵-۲- بیعت با حجت الهی

بیعت با امام(ع) از عوامل رشد و تعالی انسان محسوب می شود. بیعت از «بیع» می آید به معنای فروختن؛ بدان معنا که انسان خواسته و میل خود را به میل و خواسته حجت الهی می فروشد، اعمال خویش را به سمتی جهت می دهد که امام(ع) بپسندد، خدای متعال بیعت را عامل دست یافتن به قدرت می داند: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (الفتح: ۱۰)؛ کسانی که با تو بیعت کنند با خدا بیعت می کنند و دست خدا بالای همه دست هاست.

«ید» مجازاً به معنای قدرت و توانایی است بدان معنا که هر کس با ولی خدا بیعت نماید خود را به دریای بیکران قدرت خداوند متصل نموده است و درهای خیر و نعمت و برکت و سعادت به روی او باز خواهد شد حال باید دید این بیعت چگونه حاصل می گردد؟ مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی نویسنده کتاب «مکیال المکارم» این بیعت را عهد مؤکد و پیمان وثیق با خدا و معصومین شمرده و تحقق آن را موکول به دو امر دانسته است:

«نخست، تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر امام(ع) و یاری کردن او با نثار جان و مال؛ و دوم، اظهار زبانی آنچه در هنگام بیعت قصد نموده و دل بر آن نهاده است» (موسوی اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲/۳۲۵).

۶- تخلّق به سیره ایشان با احساس حضور امام(ع)

امام مهدی(عج) به لحاظ جسمی از دیدگان نوع افراد غایب می باشند؛ ولی در حقیقت حضور همه جانبه ای بر جسم و جان مردم دارند، به طوری که هیچ ظاهر و باطنی از



چشمان پر نفوذ ایشان مخفی نیست، چرا که ایشان چشم خدا در میان آفریدگانش می‌باشد؛ بنابراین حجت الهی بر اوضاع و احوال بندگان خدا آگاه است و در همه جا حضور دارد، مهم این است که انسان این حقیقت را وجدان کند و این حضور فراگیر را با همه وجود احساس نماید در این صورت غیبت برای او به منزله مشاهده می‌شود و او خود را در حضور امام(ع) حس می‌کند، آن وقت به‌طور طبیعی و بدون هیچ تکلفی رعایت آداب و احترام نسبت به آن وجود مقدس را با جدیت خواهد داشت و راه رسیدن به قوت یقین در زمان غیبت برایش از این طریق هموار می‌گردد؛ امام(ع) نوری درخشنده است که مشاهده ایشان احتیاج به چشم ظاهری ندارد دل اگر بینا باشد ایشان را می‌بیند و حضورش را احساس می‌کند، آنچه مهم است سنخیت روحی و پیوند قلبی با آن وجود مقدس است و راه رسیدن به این حضور را هم به ما نشان داده‌اند و فرموده‌اند: «فَاَحْضُرُونَا جَمِيعًا وَ عَوَّدُوا اَنْفُسَكُمْ الْخَيْرَ وَ كُونُوا مِنْ اَهْلِهِ تُعْرِفُوْا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۳/۴۶)؛ ما را حاضر بدانید و خود را به کارهای خیر عادت دهید و از اهل خیر شوید تا به آن شناخته شوید. بنابراین تلاش و جدیت مؤمن در اطاعت، ورع و پرهیزش از گناه مایه ترغیب شدن مردم در پیروی از شیوه او و دانستن حقایق امامش خواهد شد، زیرا که این شیوه دلیل بر آن است که امام(ع) او را چنین مؤدب ساخته است.

۷- نجات از حیرت و سرگردانی

امام علی(ع) عصر غیبت را چنین ترسیم می‌کند: «ای مردم زود است زمانی بر شما بیاید که اسلام در آن سرازیر شود، مانند برگشتن ظرف که آنچه در آن است بریزد، از اسلام جز اسم و از قرآن جز درس و از ایمان جز رسم باقی نمی‌ماند آن‌گاه است که خداوند بندگان را امتحان کند.» پیامبر(ص) دوران غیبت را زمان سرگردانی مردم معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۷۲/۵۱)؛ برای او غیبت و برای امت حیرتی خواهد بود که بسیاری در آن دوران گمراه خواهند شد. قوم

بنی اسرائیل به خاطر نافرمانی از فرامین حجت الهی و نرفتن به زمین موعود چهل سال در بیابان سرگردان شدند، آن هنگام که حضرت موسی به قوم بنی اسرائیل دستور داد که به زمین موعود بروید و به آنان وعده پیروزی داد آنان پاسخ دادند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (المائدة: ۲۴)؛ پس تو و خدایت بروید بجنگید؛ همانا ما از نشستگانیم.

این شیوه بیان نشان می دهد که آنان اصلاً به خدا ایمان نیاورده اند، از فرامین الهی سرپیچی کرده و جزء حزب قاعدین گردیدند؛ در نتیجه مورد نفرین حجت زمان خویش قرار گرفته و چهل سال در بیابان سرگردان شدند، مردم عصر غیبت نیز اگر دچار سکون شده و به زمان موعود که زمان ظهور است نروند در سرگردانی های عصر غیبت باقی خواهند ماند، تا کی سرگردان شما باشیم؟ و حال باید دید که قرآن و عترت راه نجات از این حیرت و سرگردانی را چگونه بیان می نمایند؟ راه های نجات از سرگردانی عبارت اند از:

۷-۱- کسب ایمان و تقوا

خداوند مؤمنان را به کسب ایمان و تقویت آن دعوت می نماید و می فرماید: «وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (الفصلت: ۱۸)؛ ما کسانی را نجات می دهیم که ایمان بیاورند و پرهیزکار باشند.

امام صادق (ع) وظیفه شیعه در زمان غیبت را تقوی و دوری از گناه و آلودگی و تمسک به دین الهی معرفی نموده و فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيِّبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۵/۱)؛ امام مهدی (عج) غیبتی دارد که هر بنده ای باید تقوا پیشه کند و به دین خدا چنگ بزند. پیامبر اکرم در حدیث ثقلین اتصال مستمر و دائمی به قرآن و عترت را از امت خویش خواسته است، «تمسک» در لغت به معنای چنگ زدن لحظه به لحظه است؛ گرچه هیچ یک از نیازهای انسان برآورده نشود، اتصالی که هیچ گونه انفصال و جدایی در آن وجود نداشته باشد (المَسْكُ: الْجِلْدُ الممسك للبدن) (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۶۹)؛ بنابراین همان طور که پوست به بدن می چسبد باید به دین خدا متمسک شد.



۷-۲- اعتقاد راسخ به امامت امام(ع) و دعا بر تعجیل فرج

امام حسن عسکری(ع) به شدت نگران سرگردانی شیعیان در زمان غیبت فرزندشان بودند؛ در حدیثی فرمود: «وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غِيْبَةً لَا يَنْجُو مِنَ الْهَلَكَةِ فِيْهَا اِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللّٰهُ تَعَالٰى عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرَجِهِ» (إربلی، ۱۳۸۱: ۵۲۶/۲)؛ قسم به خدا او غیبتی خواهد داشت که در آن هیچ کس از هلاکت نجات پیدا نمی کند مگر اینکه خداوند او را بر اعتقاد به امامت او ثابت و بر دعا برای تعجیل در فرجش موفق گرداند.

۷-۳- محبت و دوستی نسبت به حجت الهی

محبت تعاملی دوسویه بین محب و محبوب می باشد، همان اکسیری که پیامبر اکرم(ص) آن را راه نجات معرفی کرده است: «نَجَا مَنْ أَحَبَّهُمْ وَوَالَاهُمْ وَسَلَّمَ بِضَلَمِهِمْ» (فروخ الصفار، ۱۴۰۴ق: ۳۴)؛ هرکس امامان را دوست بدارد و از آنان پیروی نماید و فضیلتشان را معترف باشد نجات یافته است. همچنین محبت نسبت به امامان(ع) گشاینده درهای رحمت خداوند است؛ چرا که پیامبر(ص) فرمود: «فَأَصْبَحَ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ فَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لَهُ وَ أَصْبَحَ مُبْعِضُنَا عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ يَهِي فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۴/۷۸)؛ حال کسی که محب ماست منتظر رحمت باشد؛ گویی که درهای رحمت به روی او باز شده است و حال کسی که دشمن ما باشد بر دره های خطرناک هلاکت در آتش جهنم است.

۷-۴- پیوند مستمر با حجت الهی

برقراری پیوند از دستورات مؤکد دین اسلام است؛ چرا که سبب طولانی شدن عمر و برخورداری از نعمات خدای متعال می شود، امامان مصداق کسانی هستند که ما موظف به برقراری ارتباط مستمر با آنان می باشیم خداوند در قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللّٰهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (الرعد: ۲۱)؛ و کسانی که خدا به برقراری پیوند با آنان امر کرده است. امام باقر(ع) در زمینه ارتباط با امام معصومی که مردم انتظار آمدن او را دارند فرمود:

«رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنَطَّرَ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۹/ح ۱۳)؛ با امامتان که منتظر او هستید ارتباط برقرار کنید و غیبت امام(ع) هرگز مانعی برای پیوند معنوی و قلبی نمی‌شود؛ بنابراین راه نجات در پیوند ناگسستنی با حجت الهی است؛ چرا که خداوند امامان را شجره طیبه معرفی کرده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۲۴)؛ آیا ندیدی که خدا چگونه مثال زده است امامان همچون درخت پاک هستند که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است.

همان‌طور که یک باغبان نهال کوچک و ضعیف خود را به درختی محکم پیوند می‌زند تا آن را در مقابل آفت‌ها و بیماری‌ها مقاوم کند اگر امروز ما قلب‌های جوانان را به قلب حجت الهی پیوند بزنیم آنان را در مقابل آلودگی‌ها، گناهان و هجمه‌های فرهنگی مقاوم خواهیم نمود، بنابراین سرّ مصونیت از گناهان ارتباط قلبی با حجت الهی است.

۷-۵- مراجعه به طیب روح

انسان، مخلوقی دو بعدی است متشکل از جسم و روح؛ همان‌طور که جسم نیاز به مداوا دارد روح او نیز نیاز به پیرایش دارد، حضرت علی(ع) حجت‌های الهی را طیب روح می‌داند آنگاه که می‌فرماید: «طَيِّبٌ دَوَارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى وَ آذَانٍ صُمٌّ وَ أَلْسِنَةٍ بِكُمْ مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْخَيْرَةِ» (سیدرضی، ۱۳۷۶: ۱۵۶)؛ ولی خدا طیبی است که به وسیله طب و معالجه خویش همواره بین مردم گردش می‌کند و مرهم‌هایش را محکم و آماده کرده است و ابزارها را سرخ و تافته است و هر جا که لازم باشد مرهم‌ها را بر روی آن می‌نهد جاهای مجروح و نیازمند به معالجه، دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های لال است و این طیب روحانی بیماری‌های غفلت و حیرت و سرگردانی را معالجه می‌کند.

۷-۶- عدم استعجال

شتاب ورزیدن در امر ظهور در احادیث «استعجال» نامیده می‌شود؛ استعجال، ایمان فرد



را تباه می‌کند و او را به هلاکت می‌رساند؛ چرا که در مراتب بالای آن می‌تواند شخص را تا مرحله انکار نسبت به اصل وعده الهی بکشانند و تنها کسی که راضی به خواست خدا باشد نجات می‌یابد. امام جواد(ع) فرمود: «يُهْلَكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ» (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۳۷۸/۲): در زمان غیبت شتاب‌کنندگان هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند. همچنین امام صادق(ع) فرمود: «هلكت المحاضير» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۷/۵۳): محاضیر هلاک می‌شوند. پرسیدند محاضیر چه کسانی هستند؟ حضرت پاسخ می‌دهند: «المستعجلون»؛ شتاب‌زدگان کسانی هستند که راضی به امر پروردگار نسبت به زمان ظهور امام(ع) نیستند.

عجله‌ای که از آن مذمت شده، ضد صبر و تسلیم است؛ به عبارتی شتاب‌زدگی، اظهار انتخاب، رها کردن تسلیم و زود خواستن چیزی پیش از رسیدن و قتش می‌باشد، و این مایه پشیمانی می‌شود؛ ولی درخواست تعجیل فرج از خدا، اقرار به بندگی و اعتراف به قدرت و اراده خدا و باور به عجز و ناتوانی خود و نداشتن هیچ نیرو و چاره است.

۸- روشن شدن فلسفه زندگی با وفای به عهد الهی

در سیر حرکت انسان به سوی خدا، امام(ع) همان پیشوایی است که یا انسان را به سرمنزله هدایت و سعادت می‌رساند و یا او را به ضلالت راهنماست و در پیمودن راه، همدل و یاور اوست. امام(ع) بزرگترین نیرویی است که وی را با خود همراه کرده و به پیش می‌برد، فرد دیندار، بینش عمیق‌تری نسبت به دیگران دارد؛ چرا که او می‌یابد محوریت عالم بر معرفت و شناخت بوده و هر آنچه انجام می‌دهد بدون آگاهی و شناخت از او پذیرفته نخواهد بود؛ بنابراین در پیمودن راه هدایت برای رسیدن به مقصد با علم و آگاهی قدم برمی‌دارد، امام صادق(ع) در ذیل آیه: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» (الأعراف: ۱۸۱) می‌فرماید: «نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»؛ به خدا قسم ما اسماء حسناى الهی هستیم که عملی بدون معرفت ما پذیرفته نمی‌شود

(کلینی، ۱۳۶۵: ۱۴۳/۱) بنابراین فلسفه زندگی ما روشن شده و با هدف خلقت پیوند می خورد. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶)؛ جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.

و خدای متعال از همه انبیا و اولیای الهی پیمان گرفته تا هدف خلقت تحقق یابد و خداوند این امر بزرگ را بر عهده امام عصر (عج) قرار داده و از هر مؤمنی بر ولایت و یاری ایشان پیمان گرفته است؛ ایشان همان عهد و پیمان الهی هستند که خدا آن را ستانده و محکم نموده است: «يَا مِيثَاقُ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ» (بخشی از زیارت آل یاسین) بنابراین در صورتی که عهد و پیمانی که بر ولایت و یاری حجت الهی گرفته شده نقض شود عواقب سوءیی به دنبال خواهد داشت.

۹- پیامدهای پیمان شکنی

۹-۱- خسران

خدای متعال همواره انسان را در زیان و خسران می داند به جز آنان که ایمان داشته و عمل صالح انجام دهند و در صورت نقض پیمان الهی از محدوده مؤمنان و صالحان خارج شده و به جرگه زیانکاران خواهد پیوست: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (البقره: ۲۷)؛ کسانی که عهد الهی را بعد از اینکه از آنان پیمان گرفته شد، می شکنند و آنچه که خدا امر به پیوند داده قطع می کنند و در زمین فساد می نمایند آنان زیانکارند.

۹-۲- لعن الهی

یکی از اثرات عدم توجه به عهد و پیمان خداوند مبنی بر مودت و یاری حجت هر زمان، لعن الهی می باشد؛ آنجا که خدای متعال می فرماید: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ» (الرعد: ۲۵)؛ و



کسانی که عهد الهی را بعد از اینکه از آنان پیمان گرفته شد می‌شکنند و آنچه که خدا امر به پیوند داده قطع می‌کنند و در زمین فساد می‌کنند، آنان مورد لعن خدا می‌باشند.

۹-۳- دشمنی و کینه

فراموشی و نسیان مردم نسبت به عهد الهی سبب دشمنی و کینه در بین آنان خواهد شد خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (المائدة: ۱۴)؛ و از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم، پیمان گرفتیم؛ پس عهد خود را فراموش کردند و ما نیز تا روز قیامت بین آنها دشمنی و کینه می‌افکنیم.

۹-۴- قساوت قلب

از دیگر اثرات پیمان‌شکنی، قساوت قلب معرفی شده که دیگر، راه برگشت به هدایت برای چنین کسی وجود نخواهد داشت: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (المائدة: ۱۳)؛ پس آنان که عهد خود را شکستند خدا آنان را لعنت کرد و قلب‌های آنها را سخت نمود.

بنابراین وفای به عهد الهی مبنی بر ولایت و یاری حجت الهی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین فرامین الهی است که در سایه عمل به آن، فلسفه زندگی انسان تبیین خواهد شد.

۱۰- بهره‌مندی از نور امام(ع) در مسیر هدایت

در قرآن و روایات از امامان(ع) با عنوان نور یاد می‌شود، وجود امام(ع) مصداق نوری است که خدا به وسیله آن مؤمنان را هدایت می‌کند، و با نور معرفت و علم خویش مسیر پیروانش را روشن می‌کند، حضرت علی(ع) فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ»؛ آگاه باشید برای هر مأمومی امامی است که به واسطه او هدایت می‌شود و با نور علم او روشنایی می‌گیرد (سید رضی، ۱۳۷۶: ۴۱۶). وقتی خدا بخواهد

کسی را هدایت کند قلبش را منور به نور امام(ع) می‌کند؛ بدان معنا که معرفت امام(ع) و محبت او را در قلبش قرار می‌دهد.

اما بهره‌مند شدن از نور هدایت امام(ع) شرایطی دارد:

۱۰-۱- خواستار هدایت بودن

یکی از شرایط بهره‌مند شدن از نور هدایت حجت الهی، عزم و اراده‌ای استوار بر یافتن مسیر هدایت است، امام باقر(ع) فرمود: «نَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ شَبْنَا وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ اقْتَدَى بَنَا» (فروخ الصفار، ۱۴۰۴ق: ۶۲)؛ ما چراغ هستیم برای کسی که به واسطه ما روشنایی بجوید و راه هستیم برای کسی که به ما اقتدا کند بنابراین کسی که طالب حقیقت نباشد، از نور هدایت امام(ع) بی‌بهره خواهد بود.

۱۰-۲- دوری از گناه و خودسازی

بهره‌مندی ما از امام(ع) در دوران غیبت همانند بهره‌مندی از خورشید است؛ آن هنگام که ابرها آن را از چشم‌ها پوشانیده باشند و گناهان ما همچون پشته‌های ابر ضخیمی است که است که امام(ع) را از ما دور می‌کند ایشان در دوّمین توقیع خود به شیخ مفید فرموده‌اند: «فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بَنَا مِمَّا نَكُرُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۶/۵۳)؛ پس ما را از ایشان دور نمی‌کند مگر رفتار آنها که پیوسته به ما گزارش می‌شود رفتاری که ما آن را ناخوشایند می‌دانیم؛ بنابراین ارتکاب گناه و آلوده شدن به پلیدی‌ها امام(ع) را آزرده خاطر می‌کند و سر خواندن دعای سلامتی برای ایشان نه بدان جهت است که ایشان بیمارند؛ بلکه از آن جهت است که گناهان شیعیان خاطر مبارک ایشان را آزرده است و ما با خواندن دعای سلامتی برای ایشان رفع ناراحتی و آزرده‌گی را که خود با گناهانمان موجب شده‌ایم را از خدا طلب می‌نماییم. حضرت ابراهیم(ع) در پاسخ به مردم قوم خود که او را به تفریح در خارج از شهر دعوت کردند با آنان همراه نشد و فرمود: «فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (الصافات: ۸۹)؛ پس گفتم: همانا من بیمارم.



امام صادق (ع) در ذیل این آیه فرمود: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ سَقِيمًا، وَ مَا كَذَّبَ، إِنَّمَا عَنِ سَقِيمًا فِی دِینِهِ مَرْتَدًا» (بحرانی، ۱۶/۴: ۶۰۹)؛ ابراهیم (ع) نه بیمار بود و نه دروغ گفت؛ بلکه مراد او بیماری در دینش بود؛ پس حجت‌های الهی از کفر، گناه و آلودگی‌هایی که مردم به آن مبتلا هستند دچار ناخوشی می‌شوند نه اینکه بیمار باشند؛ بنابراین برای بهره‌مند شدن از نور هدایت امام (ع) لازم است فرد علاوه بر دوری از گناهان به پاک نمودن روح و قلب خود از رذایل اخلاقی همّت نماید.

۱۰-۳- تلاش و تجهیز به دو بال علم و ایمان

خداوند در قرآن به کسانی وعده نشان دادن راه هدایت را داده است که در راه حق تلاش می‌کنند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (العنکبوت: ۶۹)؛ کسانی که در راه ما تلاش می‌کنند به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.

گفتنی است که این تلاش باید در مسیری باشد که خدا و پیامبر او تعیین نموده‌اند. این مسیر همانا مراجعه به کتاب خدا و عترت است، خدای متعال علم و ایمان را دو بال برای دست یافتن به درجات عالی انسانی می‌داند و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادله: ۱۱)؛ خدا مقام کسانی از مؤمنان را بالا می‌برد که علم داشته باشند.

آدمی همچون پرنده‌ای است که برای اوج گرفتن و رسیدن به مقامات عالی و معنوی و بهره‌مندی از امام (ع) نیاز به دو بال دارد، یکی بال علم و دیگری بال ایمان؛ همان‌طور که حیات پرنده با یک بال حاصل است؛ اما توان پرواز نخواهد داشت، انسان نیز با داشتن بال ایمان حیات او تحقق می‌یابد ولی بدون بال علم، توان پرواز و دست یافتن به اوج کمالات و در نتیجه بهره‌مندی از نور هدایت امام (ع) را نخواهد داشت.

۱۰-۴- شناخت حجت الهی

شناخت امام (ع) نوری در وجود آدمی روشن می‌نماید که در پرتو تابش آن نور

تاریکی‌های جهل و نادانی رخت بر بسته و توانایی تمایز حق از باطل به او عنایت خواهد شد، نور معرفت امام(ع) قلب آدمی را منور کرده و این لطفی است که خدا در حق مؤمنان انجام داده و دیگران را از آن محروم نموده است، امام صادق(ع) فرمود: «نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۶۶۳/۵)؛ ما اهل بیت(ع) آن نعمتی هستیم که خدا به سبب ما، بندگان را نعمت داده است و از آنجایی که هر نعمتی شایسته شکری می‌باشد، امام صادق(ع) نیز شکر این نعمت را شناخت می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا» (همان)؛ کسی که خدا به او نعمتی عطا کرده، پس آن را بشناسد شکر آن را بجا آورده است؛ همان‌طور که می‌دانیم حق نعمت‌های الهی تنها در صورتی ادا می‌شود که انسان از آنها در مسیر معرفت خدا و بندگی او استفاده کند و اگر چنین نشود نعمت خدا مورد کفران قرار می‌گیرد و معرفت امام(ع) لازمه و نشانه معرفت خداست و توحید بدون ولایت حجت الهی محقق نمی‌شود؛ چرا که امام مهدی(عج) بزرگترین آیه و نشانه خداست که بیشترین دلالت را به سوی خدا دارد؛ بنابراین اگر نعمت‌های خدا ما را به معرفت حجت الهی نرساند کفران نعمت‌های خدا صورت پذیرفته است و وجود امام(عج) نعمتی است که با معرفت یافتن نسبت به ایشان شکر این نعمت بجا آورده می‌شود و از حلول نعمت جلوگیری می‌شود: «شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ حُلُولِ النَّقْمَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۰)؛ شکر نعمت از نزول سختی جلوگیری می‌کند؛ همان‌طور که در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (إبراهیم: ۷)؛ اگر شکر نعمت را بجا آورید نعمت را زیاد می‌کنم و اگر کفران نعمت کنید عذاب من شدید است.

از طرف دیگر پیامبر اکرم(ص) شناخت حجت الهی را راه نجات از کفر و گمراهی و نفاق می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۱/۳۲)؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است و مرگ جاهلیت همان عذاب شدیدی است که خدای متعال برای کسانی که در مسیر



معرفت حجت الهی قرار نگرفته‌اند تعیین نموده است، در این حدیث شناخت عمیق همراه با تفکر درباره حجت الهی خواسته شده است نه شناخت سطحی و ظاهری؛ بنابراین با شناخت امام(ع) انسان در مسیر هدف خلقت، شکرگزاری و بندگی خدا قرار گرفته و در نتیجه بهره‌مند از نور هدایت خواهد شد.

۱۰-۵- مراجعه به امام(ع)

برای بهره‌مندی از وجود امام(ع) لازم است به آن وجود مقدس مراجعه داشت؛ چرا که امام از ریشه امّ می‌باشد [أمّ] ه: بسوی او رفت، قصد وی کرد، - به: به او اقتدا کرد، از او پیروی کرد (ابجدی: ۴) چرا که مثل امام(ع) همچون کعبه است؛ «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۶/۳۵۸)؛ مثل امام همچون کعبه است. برای طواف و بهره‌مندی از فضای معنوی ما باید سراغ کعبه برویم کعبه به سراغ کسی نمی‌آید، امام(ع) نیز همچون کعبه است که تا مردم به سمت ایشان نیایند وظیفه‌ای ندارد؛ بدین سبب است که حضرت علی(ع) ۲۵ سال خانه نشین می‌شود، چرا که مردم به ایشان مراجعه نکرده و خود را از وجود و هدایت امام(ع) بی‌بهره گذاردند، تفاوتی که پیامبر(ص) با امام(ع) دارد این است که پیامبر(ص) به سوی مردم آمده و شریعت و احکام الهی را به مردم ابلاغ می‌کند ولی در پیمودن مسیر هدایت تا رسیدن به مقصد وظیفه‌ای ندارد؛ ولی امام(ع) به سوی مردم نمی‌آید و مردم هستند که باید به سوی او بیایند و در صورتی که مردم به ایشان مراجعه کنند، آنان را در تمامی مسیر هدایت تا رسیدن به مقصد همراهی خواهد کرد.

۱۱- تقویت جهان‌بینی دینی

به‌طور کلی مجموعه تعالیم دین به سه بخش تقسیم می‌شود: بخشی مربوط به خلق و خوی انسان‌هاست که حوزه اخلاق را شامل می‌شود، بخشی دیگر مربوط به اعمالی است که انسان انجام می‌دهد و مربوط حوزه احکام است و بخش مهم و اساسی دیگری که مربوط

به بینش‌ها، باورها و اندیشه‌های انسان است که حوزه عقاید را تشکیل می‌دهد. باید توجه داشت که اعتقادات، زیربنا، پایه و اساس گرایش‌ها و کنش‌های آدمی است و اخلاق و احکام، زیرمجموعه آن است؛ به عبارت دیگر، انسان با توجه به عقایدی که دارد اعمال و رفتار خویش را تنظیم می‌کند در واقع انسان در جهتی حرکت می‌کند که به آن اعتقاد داشته باشد، و جهان‌بینی همان بینش، باور و اندیشه ما نسبت به جهان است، در جهان‌بینی مذهبی مبنای تفسیر و تبیین جهان، وحی است و حقایق بر اساس راه و روش حجت‌های الهی روشن می‌شود.

این باور که امام مهدی (عج) در میان ما حضور دارد اگر چه از دیدگان ما پنهان است به بینش ما عمق بیشتری داده و اعتقادات ما را قوت می‌بخشد؛ چرا که اعتقاد به خدای نامرئی در رأس عقاید ما قرار دارد و او را تنها آفریدگار و نگهدارنده آسمان و زمین می‌دانیم و کمترین تردید در وجود مقدسش نداریم در حالی که از دیده‌ها غایب است و در محدوده افکار بشری نمی‌گنجد، روح که بر بدن ما اشراف دارد و حیات بدن ما از آن سرچشمه می‌گیرد، در پرتو آثار و نشانه‌هایش به آن اعتراف داریم، با حضور آن در بدن زنده هستیم و با گسستن پیوند آن می‌میریم و در وجود آن هیچ تردیدی نداریم؛ در حالی که قابل رؤیت نیست و به چشم دیده نمی‌شود، در جهان‌بینی مذهبی، امام (ع) ثمره شجره نبوت و عصا دودمان امامت، خلف شایسته ایشان است، پرچم حق به دست با کفایت اوست.

۱۲. شکوفایی روح امید و دست یافتن به آرامش

امام (ع) همان پیشوا، الگو و میزان اعمال است که همراهی با او برکات فراوانی به همراه خواهد داشت، از جمله رسیدن به اطمینان و آرامش است، خداوند ذکر خود را ثمره آرامش قلب می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد: ۲۸)؛ کسانی که ایمان آوردند، قلب‌هایشان به ذکر و یاد خدا آرامش یافت همانا ذکر خدا



آرامش بخش قلب هاست.

امامان مصادیق ذکر هستند: «نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَكْبَرُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۹۸/۲)؛ بنابراین با نزدیک شدن به امام (ع) آرامش و اطمینانی برای انسان ایجاد خواهد شد که عمق وجود انسان را تحت تأثیر قرار خواهد داد، امام صادق (ع) انتظار ظهور حجت الهی را از بهترین اعمال دانسته؛ چرا که روح امید به آینده‌ای روشن را در وجود انسان زنده نگه می‌دارد، آنگاه که فرمود: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۴/۱۰)؛ منتظر فرج و ظهور باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبوبترین اعمال نزد خدا انتظار فرج است. انتظار، حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم از آن بر می‌آید و ضد آن یأس و ناامیدی است اساساً روحیه انتظار روحیه امید و حرکت است اگر زمامدار قدرتمندی وعده بدهد که در یکی از روزهای هفته به منزل ما خواهد آمد آیا از همان آغاز هفته با فراهم کردن وسایل پذیرایی و زینت منزل و فرش و اثاثیه مناسب، منتظر آمدنش نخواهیم بود؟ به‌طوری‌که هرگاه در یکی از روزها بر منزل ما وارد گشت موجبات احترام او را فراهم آورده باشیم؛ بنابراین طبق عقیده‌ای که شیعه به وجود امام (ع) دارد، هر چند او را در میان خود نمی‌بیند؛ اما خود را تنها نمی‌داند و تأثیر روانی این باور در روشن نگه داشتن چراغ امید در دل‌ها و ترغیب به خودسازی و آمادگی برای آن قیام بزرگ بسیار اساسی می‌باشد.

۱۳- رسیدن به کمال و حقیقت ایمان با ولایت حجت الهی

خدای متعال سفیران الهی را فرستاده تا مردم به سوی ایشان برگردند و در سایه همراهی ایشان به کمال و حقیقت ایمان دست یابند، و این امر محقق نمی‌شود مگر با ولایت حجت الهی؛ چرا که ولایت شرط پذیرش اعمال در روز قیامت می‌باشد: «مَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۸/۹۹)؛ هر کس ولایت تو را بیاورد و به امامت تو اعتراف نماید اعمالش پذیرفته شده است. باید توجه داشت که از کلمه

«جاء» استفاده شده است؛ بدان معنا که هر کس ولایت امام زمانش را در دنیا داشته باشد و این ولایت در تاروپود وجود او نفوذ کرده؛ به طوری که حضور حجت الهی را همیشه در زندگی احساس کرده و لحظه‌ای از او جدا نباشد می‌تواند این ولایت را با خود برای روز قیامت همراه خود برده که شرط قبولی اعمال او خواهد بود؛ چرا که دین بدون حجت الهی پوسته‌ای بیش نیست، دینی خشک و بدون روح است که انسان با انجام فرائض آن بهره‌ای جز سختی و مشقت نخواهد برد. امام کاظم (ع) ولایت امام مهدی (عج) را به نقل از رسول خدا (ص) شرط کمال ایمان معرفی نمود و فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُنْتَظَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَؤُلَاءِ أُنْمَةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى مِنْ أَحِبَّهُمْ وَ تَوَالَاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۲۷)؛ هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند؛ درحالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد پس باید ولایت امام عصر (عج) را داشته باشد ایشان امامان هدایت و نشانه‌های تقوا می‌باشند هر که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود برای او بهشت را ضمانت می‌کنم. جهت دلالت آن است که مراد از تولی امام عصر (عج) اظهار محبت با اعمال بدنی و کارهای پسندیده است؛ زیرا که ولایت قلبی نسبت به تمامی امامان واجب است و اظهار محبت نسبت به ایشان اثر دارد بدون تردید دعا در حق آن امام همام و خواستن ظهور ایشان از درگاه خداوند اظهار محبتی است که در دل‌ها نهفته پس این اثر بر آن مترتب می‌گردد، با این باور دعا برای ظهور ایشان در جامعه عینیت می‌یابد چرا که امام (عج) می‌فرماید: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۸۳/۲)؛ برای ظهور زیاد دعا کنید؛ چرا که آن گشایش کار شماست. تفاوتی ندارد که امام (ع) از ما چه بخواهند آیا اگر لیوان آبی از ما درخواست کنند برای ایشان بلافاصله فراهم نمی‌کنیم؟ حال از ما خواسته‌اند که برای ظهور ایشان دعا کنیم، شاید بدین سبب باشد که به ما بفهماند غیبتش نعمت و سختی و در عین حال فاجعه است شاید جامعه به حال خویش بیندیشد و به تلاش و جدیت رو آورد و جهت اینکه این تأثیر در دوستی کردن نسبت



به امام مهدی (عج) قرار دارد، آن است که ایمان جز با معرفت تمام امامان بر حق کمال نمی‌یابد و چون معرفت جزء آخر علت تامه است پس ایمان جز با ولایت و دوستی کردن با خاتم الأنمه امام مهدی (عج) تمام نخواهد شد، و اگر کسی بر معرفت امام (ع) و قبول ولایت ایشان ثابت قدم شد به حقیقت ایمان دست یافته است.

۱۴- نتیجه‌گیری

این نوشتار نگرش نوینی به اعتقاد صریح شیعیان به حضور آخرین حجت الهی می‌باشد و تأثیر این باور را از جهات مختلف بررسی می‌نماید؛ چرا که غیبت به معنای عدم ظهور است نه به معنای عدم حضور؛ بنابراین تفاوتی میان امامت امام مهدی (عج) و سایر ائمه هدی وجود ندارد و آنچه که به این اعتقاد عینیت می‌بخشد، شناخت، توجه و مراجعه به امام (ع) است؛ شناخت، هدف خلقت بوده و این هدف با معرفت نسبت به حجت الهی اوج یافته و با پذیرش عهد خداوند مبنی بر ولایت و یاری ایشان به کمال می‌رسد؛ در این پژوهش سعی بر آن است که جایگاه باور و یقین در اعتقادات نهادینه شود؛ چرا که اگر دانسته‌های انسان با یقین همراه نباشد منشأ حرکت نخواهد بود و نبودن تلاش و تکاپو، انسان را به سمت بی‌هدفی و بی‌انگیزگی سوق داده و زندگی بدون انگیزه و هدف منشأ یأس و ناامیدی است که آفت بزرگی در مسیر تکامل انسان می‌باشد و دور ماندن از هجمه‌ها و آسیب‌های فرهنگی از تأثیرات مستقیم این باور می‌باشد و از طرفی انسان با الگوگیری از سیره امام (ع) به اخلاق ایشان متخلق شده و از گناه و زشتی دوری می‌کند چرا که او را همواره ناظر بر اعمال خویش می‌داند در نتیجه، اعتقادات انسان به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می‌شود و با تمسک به حجت الهی و بهره‌مندی از هدایت ایشان از فتنه‌ها و سرگردانی‌های عصر غیبت نجات می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم.
- بنی هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵). معرفت امام عصر (عج)، تهران: چاپ شفق.
- _____ (۱۳۸۰). آفتاب در غربت، تهران: انتشارات میقات.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۹). امام در عینیت جامعه، قم: انتشارات دلیل ما.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶). گزیده راهنمای حقیقت، چاپ دارالحديث، نشر مشعر.
- کامل سلیمان (۱۳۷۶). روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر آفاق.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۱۶ق). مکیال المکارم فی فوائد للدعاء علی القائم (عج)، ترجمه سید مهدی حائری، چاپ سوم، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- مفاتیح الجنان
- ابن ابی الفتح إربلی، أبو الحسن علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمه، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد (۱۳۷۹). المناقب، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه - قم، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی دمشق چاپ اول، بیروت: دار العلم الدار الشامیه.



- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۶). نهج البلاغه، مترجم و شارح: علامه فیض الإسلام، چاپ ششم، انتشارات فیض الإسلام.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، چاپ سوم، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- (۱۳۹۵ق). کمال الدین، چاپ دوم، قم: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج، مشهد مقدس: نشر مرتضی.
- طبری مازندرانی، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۳). دلائل الإمامه، قم: دار الذخائر للمطبوعات.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فراهیدی، ابی عبد الرحمن الخلیل أحمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، تحقیق دکتر مهدی مخزومی ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، مؤسسه دار الهجره.
- فروخ الصفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، چاپ دوم، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مترجمان مجمع البحرين (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار، بیروت لبنان: مؤسسه وفاء.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.